



پیرغلام محله کنه بیست، طبقه بالای خانه اش را وقف آموزش مداحی نوجوانان و فعالیت های اجتماعی محله کرده است

۵۰۴

مدرسه ارادت به اهل بیت (ع)



عکس: فقیهه فرخی/شهر آرا

موكب «عشاق الفاطمه (س)» ۵ سالی می شود که در نبود مسجد، شور محرمی را به محله حسین آباد آورده است

خیمه ای برای هزاران عزادار

۶



گزارشی از توقف پخت نان محبوب در نانوایی محله سجادیه
 وقتی کار خوب غیرقانونی انجام می شود

۲

رسم چهل ساله دیدار اهل قبور یکی از آیین های متفاوت عزاداری حسینی در محله کنه بیست است
 دیدار با رفتگان محله در محرم

۷



گزارشی از توقف پخت نان محبوب
در نانوایی محله سجادیه

وقتی کار خوب غیرقانونی انجام می شود

نوع نان به درخواست ما اهالی انجام شد و حالا صاحب نانوایی باید به پای این ملاحظه مردم بسوزد. باور کنید اهالی آن قدر رضایت داشتند که بعد تغییر پخت نان از لواش به عراقی، این بنده خدا و ما را دعای عامی کردند.

او ادامه می دهد: پیگیر رفع این مشکل هستیم. از طریق شورای اجتماعی و دفتر بازآفرینی و توسعه محله، نامه ای به معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری منطقه ۵ و شورای اسلامی شهر نوشته و ارسال کرده ایم تا در رفع این مشکل یاری کنند. ما وظیفه داریم پشت این شاطر باشیم تا جریمه نشود.

● خواست مردم، عامل تغییر نان

ظهر است؛ همان ساعتی که تادو هفته پیش، صفی طولانی مقابل نانوایی شکل می گرفت. این بار اما نانوایی خلوت است. بسته های نان لواش روی میز چیده شده است و جز یک مشتری، کسی در مغازه نیست. اسماعیل بنی اسدی، شاطر این نانوایی که چهل سال است در این حرفه فعالیت می کند، سه سال پیش این نانوایی را با مجوز پخت لواش اجاره کرده است. اما می گوید مردم از همان ابتدا از کیفیت این نان رضایت نداشتند. او تعریف می کند: مردم آن قدر گفتند و خواستند که پخت رابه نان عراقی تغییر دادم. وزن را بالا بردم و متناسب با همان وزن، قیمت دونا را می گرفتم. کارت خوان برای لواش با وزن متناسبش ۱۲۰۰ تومان بود و من برای وزن ۲۵۰ گرم چانه نان عراقی، قیمت دو لواش در دستگاه ثبت می کردم.

بنی اسدی می گوید موضوع را تلفنی به اتحادیه نانوایان اطلاع داده بود، اما مراحل قانونی تغییر نوع پخت را طی نکرده است. او با ناراحتی ادامه می دهد: سه هفته پیش از تعزیرات آمدند و گفتند غیرقانونی کاری کنی و اتفاقاً در همان شلوغی و استرس، یک مشتری غیر محلی و ناشناخته آمد و کارت تعداد نانهایش را کمتر داد. همین اتفاق، اوضاع را خراب تر کرد. ما اینجا اصلاً از این صحبت هان داریم فقط کافی بود بگوئید یک یا دونا کمتر داده ای تا همانا جاتقدیمش کنم. حالا خدا می داند جریمه چقدر است. عده ای می گویند که احتمال دارد جریمه میلیاردی باشد.

● نان قبلی عالی بود

محمود سرداری که بزرگ شده همین محله است، با کراهت یک بسته نان لواش می خورد و می گوید: الان مجبور بودم، وگرنه می رفتم محله دیگری تا این مدل نان را نخورم. نان قبلی که تادو هفته پیش اینجا پخت می شد، خیلی خوب بود و تا چند روز بعد هم نرم و خوشمزه می ماند. من راضی هستم که برای همان نان کرده عراقی ۵ هزار تومان پول بدهم و این بنده خدا هم جریمه نشود.

شکیلا جعفری، یکی دیگر از ساکنان محله، می گوید: اینجادر محله کلاسه نانوایی هست و آن قدر حق انتخاب نداریم و حالا مجبوریم نانی را بخریم که دلخواه ما نیست. نان لواش اصلاً باغذاهای ایرانی و مشهدی همخوانی ندارد اما نان کرده عراقی با همه نوع غذا جور است. طاهره باقی، عضو شورای اجتماعی محله سجادیه، می گوید: تغییر

سید محمد عطائی | سال ها است گلایه از کیفیت نان و عملکرد برخی نانوایی های یکی از دغدغه های همیشگی شهروندان است. اما این بار ماجرا برعکس است. نانوایی محله سجادیه که به درخواست اهالی نوع پخت خود را تغییر داده و رضایت مشتریان را جلب کرده بود، حالا به دلیل همین تغییر با کاهش سهمیه آرد و احتمال جریمه سنگین روبه رو شده است؛ موضوعی که اهالی را برای پیگیری رفع مشکل به تکاپو انداخته است.

به درخواست چند نفر از فعالان فرهنگی و اعضای شورای اجتماعی محله سجادیه به این محله آمدیم تا مطالبه اهالی را بشنویم و موضوع را از مسئولان پیگیری کنیم.



● برای رضایت اهالی

درست نبش کوچه شهید شیرداد بهلولی ۴ در خیابان امت ۵ محله سجادیه، نانوایی قدیمی قرار دارد که روی تابلو بزرگ آن نوشته شده است «نان لواش تهران» و مقابلش هم تأکید شده، پخت با دستگاه تمام اتوماتیک. این نانوایی در طول سال های فعالیت خود از تنور سنتی به دستگاه ماشینی و سپس به پخت لواش تمام اتوماتیک رسیده است. اما لواش تهرانی مورد پسند بسیاری از اهالی نبود و به همین دلیل، چندین پیش شاطر این نانوایی، به درخواست اهالی، نوع نان را تغییر داد و رضایت هم محله ای ها را به دست آورد. مدتی بعد، بازرسان تعزیرات حکومتی این تغییر را خلاف ضوابط تشخیص دادند. حالا نانوایی ای که دو هفته تعطیل بوده، دوباره همان نان قبلی را می پزد و شاطر آن نیز با کاهش نیمی از سهمیه آرد و احتمال جریمه سنگین روبه رو شده است.

● تغییر پخت باید قانونی انجام می شود

رئیس اتحادیه نانوایان مشهد، درباره این موضوع می گوید: درست است که مردم رضایتشان را اعلام می کنند اما در حقیقت این نانوایان باید روال قانونی را طی و قیمت و وزن چانه را دقیقاً رعایت می کرده است.

علی اکبر کوه پیکر درباره دلیل کاهش سهمیه آرد این نانوایی نیز می گوید: کاهش سهمیه آرد به همین تخلف و اطلاعاتی که از دستگاه کارت خوان آن نانوایی جمع می شود، مربوط است و ما در آن دخیل نیستیم.

رئیس اتحادیه نانوایان با اشاره به رضایت اهالی از عملکرد این نانوایان، قول مساعدت می دهد و می گوید: پرونده این شخص در تعزیرات با درخواست اهالی و این نانوایان به مرحله کارشناسی می رسد و آنجا بازرس اتحادیه نانوایان یا اتاق اصناف اظهار نظر می کند. در آن مرحله با توجه به رضایت مردم از کارش، تا حد امکان کمکش خواهیم کرد.

● بررسی تغییر نوع پخت در اسرع وقت

کارشناس اداره آردونان فرمانداری مشهد درباره چگونگی طی شدن مسیر این پرونده بیان کرد: اداره تعزیرات حکومتی زیر نظر قوه قضائیه فعالیت می کند و قاضی مربوطه بر اساس گزارش بازرس و نظر کارشناسی تصمیم می گیرد. کارشناس مورد استناد نیز ممکن است از اتاق اصناف، بسیج اصناف، وزارت صنعت، معدن و تجارت یا سازمان جهاد کشاورزی انتخاب شود. اگر فعالیت یک نانوایی با پروانه بهره برداری و دستگاه نانوایی (نانی نو) مطابقت نداشته باشد، تخلف قطعی محسوب می شود؛ حتی در صورتی که شهروندان محله از کیفیت نان رضایت کامل داشته باشند. نانوایان ملزم بوده است ابتدا به اتحادیه نانوایان مراجعه کرده و درخواست تغییر نوع پخت خود را ثبت کنند.

این کارشناس در ادامه تأکید کرد: با توجه به رضایت مردمی از نوع پخت و کیفیت نان این واحد، اگر این نانوایان اقدام کنند، اداره آردونان فرمانداری، درخواست تغییر نوع پخت را فوری بررسی می کند؛ اما درباره تخلف ثبت شده در پرونده، امکان دخالت و تغییر حکم وجود ندارد.



همسایه به همسایه، دیدار سی و چهارم، کوچه شهید معقول ۶۴

اینجا هیچ کس تنهانست

نیکو عقیده کوچه شهید معقول ۶۴ از آن معابری است که هنوز رد پای همدلی و همسایگی قدیم در آن دیده می شود؛ کوچه ای با بافتی متعلق به دهه های قبل و خانه هایی که سال ها است ساکنانشان در کنار هم زندگی می کنند و خاطرات مشترک زیادی دارند. بیشتر خانواده های اینجا همسایه هایی قدیمی اند و همین باعث شده است رابطه شان فراتر از یک سلام و احوالپرسی ساده باشد؛ به ویژه در ماه های محرم و رمضان، در شادی ها و غم ها و حتی در گرفتاری های روزمره، اهالی کوچه کنار هم هستند و همین همراهی، حال و هوای اینجا را متفاوت کرده است.

خانهای که همیشه مهمان دارد

یکی از چهره های شناخته شده این کوچه رقیه قابل است؛ زنی خوش برخورد که در خانه اش همیشه به روی همسایه ها باز است. رقیه خانم بیش از سی سال از زندگی اش را در کوچه شهید معقول ۶۴ گذرانده است. او به مهمان نوازی میان همسایه ها معروف است. خانه اش همیشه محل رفت و آمدهای کوچه است؛ گاهی برای یک چای عصرانه، گاهی برای گپ و گفتی کوتاه و گاهی هم برای دورهمی های ساده زنانه.

او می گوید: قدیم ترها بیشتر دور هم جمع می شدیم، اما هنوز هم سعی می کنیم این رفت و آمدها را حفظ کنیم. آدم وقتی همسایه هایش را ببیند، دلگرم می شود.

رقیه خانم خودش سفره دار است اما در بیشتر مراسم مذهبی محله هم حضور دارد. در ایام محرم همراه دیگر بانوان محله برای آماده کردن نذری در مسجد امام حسین (ع) کمک می کند و معتقد است همین مشارکت ها باعث شده است پیوند میان اهالی کوچه حفظ شود.

او از راهله مرادی به عنوان یکی از زنان پرتلاش کوچه یاد می کند؛ زنی که با وجود سختی های زندگی، همیشه روی پای خودش ایستاده است.

دوستی های عمیق در مسجد

راحله مرادی سرپرست خانوار است. سال ها است با پاک کردن سبزی، تهیه ترشی و انجام کارهای خانگی برای دیگران، هزینه های زندگی خود را تأمین می کند. هر چند زندگی برایش آسان نبوده، هیچ وقت از تلاش دست نکشیده است.

همسایه ها هم او را تنها نگذاشته اند. گاهی برای پاک کردن حجم زیادی از سبزی به خانه اش می روند و کمکش می کنند. راحله خانم بایلخند می گوید: اینجا هیچ کس احساس غریبی نمی کند. اگر مشکلی داشته باشی، چند نفر هستند که قبل از درخواست کمک، خودشان سراغت می آیند.

او هم در برنامه های مسجد محله حضوری فعال دارد و در پخت و پز و آمادگی مراسم پای کار است و معتقد است بسیاری از دوستی های عمیق میان همسایه ها از همین فعالیت های مسجدی شکل گرفته است.

یکی از افرادی که همیشه از او حمایت کرده، بتول رستم پور است؛ زنی که خودش هم سال ها است دلگرمی اش را از همین همسایه ها می گیرد.

همسایه هایی مثل خانواده

بتول رستم پور همسرش را چند سال پیش از دست داده است و فرزندی هم ندارد. او بیشتر روزهایش را تنها در خانه سپری می کند، اما می گوید هیچ وقت احساس تنهایی نکرده است؛ «اگر همسایه ها نبودند، زندگی برایم خیلی سخت می شد. اینجا همه حواسشان به هم هست.»

بتول خانم از خاطره ای می گوید که این همدلی را نشان می دهد؛ «چند سال پیش که کرونا آمده بود، من به این بیماری دچار شدم و مدتی طولانی در خانه ماندم. همسایه ها هر روز به من سر می زدند و برایم غذا و دارو می آوردند و گاهی شب تا صبح هم کنار من می ماندند. اگر آن ها نبودند زنده نمی ماندم!»

او هم به سهم خودش همیشه در کنار اهالی کوچه بوده است. در ایام محرم از نخستین افرادی است که برای آماده سازی مسجد محله حاضر می شود؛ از سیاه پوش کردن مسجد گرفته تا شستن ظروف و کمک در پخت نذری، هرکاری باشد انجام می دهد.

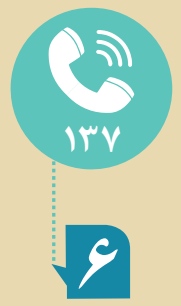


همسایه به همسایه



اولویت درخواست هادر حوزه فنی و عمران

نیکو عقیده | صبح شنبه، ۶ تیر طبق روال هر ماه، امیر رضانی، شهردار منطقه ۶، در مرکز ارتباط مردمی ۱۳۷ حاضر شد تا پاسخگوی درخواست های مردمی باشد.



تعداد پیام های مردمی

۱۲ تماس

شهرآرامحله پیگیری می کند

شهرآرامحله موضوع تجمع زباله در زمین های بایر شهرک شیرین را بررسی می کند.

حوزه فنی و عمران

یکی از اهالی پورسینا از استانداردن بودن سرعت گیر بین خیابان پورسینای ۱۵ و ۱۷ گفت. شهروند دیگری از خرابی آسفالت معبر شهید شهریور ۱۴ گلایه کرد. شهروندی هم از خیابان صدوقی ۱۳ (کوچه شهید ناصری ۲) تماس گرفت و از خرابی آسفالت و تجمع آب در آن شکایت کرد. یکی از ساکنان خیابان حر ۱۳ (کوچه شهید موسوی نژاد ۹) هم خرابی در پیچه آب های سطحی در این معبر را گزارش داد.

تماس های نامرتب

تماسی از منطقه ۵ برقرار شد.

حوزه ترافیک و حمل و نقل

یکی از ساکنان شهرک شهید باهنر از نبود علائم راهنمایی مناسب در آیلندهای میانی بولوار حر گفت.

حوزه خدمات شهری

شهروندی در شهیدشیرودی ۱۲ درخواست برخورد با یک تعمیرگاه موتور که باعث سد معبر و سروصدا شده، را داشت. همچنین سه نفر از ساکنان شهرک شیرین از تجمع زباله ها در زمین های بایر این محله شکایت داشتند. شهروند دیگری از خیابان شهید بسکابادی (حر ۴۹) همین شکایت را مطرح کرد. تماسی هم درباره نظافت نشدن جوی ها در خیابان مصلی ۱۵ برقرار شد.

پیرغلام محله کهنه بیست، طبقه بالای خانه اش را وقف آموزش مداحی نوجوانان و فعالیت های اجتماعی محله کرده است

مدرسه ارادت به اهل بیت (ع)

داستان جلد



سحر نیکو عقیده اید پیدا کردن خانه اش کار سختی نیست. از همان ابتدای کوچی که ۲۶ پرچم های مشکی و سبز سر در خانه به چشم می آید. از در نیمه باز و حیاط عبور می کنم و چند پله مرا به طبقه بالا و حسینیه کوچکی می رساند که این روزها به مناسبت محرم سیاه پوشی شده است. دیوارها با پرچم ها و کتیبه های عزاداری پوشیده شده اند و گوشه ای از فضا هم به وسایل مورد نیاز برنامه های هیئت مثل میکروفون اختصاص دارد.

عنایت!... اخگر که اهالی محله او را به عنوان پیرغلام مهربان محله می شناسند. با حوصله از گذشته اش می گوید: از روزهایی که کودک بوده و عشق به اهل بیت (ع) در دلش جوانه زده است. اومستول مجمع الذکرین امام حسن مجتبی (ع) در محله کهنه بیست (موعود) است. ۵۹ سال دارد و غده مند و فعال است. آن قدر غرق فعالیت های هیئت شده که طبقه بالای منزل خودش را هم به همین فعالیت ها اختصاص داده است: حسینیه ای کوچک که در دل آن به جوانان و نوجوانان محله، مداحی آموزش می دهد. بسته های معیشتی را برای توزیع بین مدد جوهایشان آماده می کند. در ولادت ها جشن برپا می کند و...

عملیات ها از من می خواستند بخوانم. دور هم جمع می شدیم و نوحه می خواندیم. شعرهای حماسی هم بلد بودم و می خواندم. همه با جان و دل گوش می دادند و حال و هوای عجیبی داشتیم. در میان روزهایی که با صدای انفجار و اضطراب عملیات گره خورده بود، همین روزه ها و نوحه ها برای رزمنده ها فرصتی می شد تا دقایقی از فضای جنگ فاصله بگیرند و دلشان را به نام اهل بیت (ع) آرام کنند.

برای عزاداری سیدالشهدا (ع) برنامه ای در نظر گرفته نشده، خودش دست به کار می شود؛ آن زمان حقوق سربازها خیلی کم بود؛ ماهی پنجاه تا تک تومانی می دادند. من با همان حقوق رفتم قند و چای خریدم و گفتم باید برای امام حسین (ع) کاری کنیم. همان اقدام ساده کم کم به برگزاری مراسم عزاداری در یادگان منجر شد. هر چند مسئول یادگان در ابتدا چندان موافق این کار نبود. استقبال سربازان باعث شد برنامه ها ادامه پیدا کند. او تعریف می کند که شور عزاداری آن قدر زیاد شده بود که بعضی از سربازها مرخصی ساعتی می گرفتند و همراه هم به هیئت های محله تهرانسری می رفتند. آنجا هم آقای اخگر مداحی می کرد و به گفته خودش، تشویق و استقبال مردم انگیزه بیشتری به او می داد تا این مسیر را ادامه دهد. بعدتر هر چهارشنبه شب در یادگان، جلسه قرآن خوانی و مداحی راه افتاد که او پایه گذار آن ها بود.

نوحه خوانی در خط مقدم

چند ماه بعد، محل خدمتش تغییر می کند. ابتدا به اهواز و بندر امام اعزام می شود و مدتی در بخش مهمات سازی فعالیت می کند. اما دلش می خواهد به خط مقدم برود. به همین دلیل با اصرار خودش، راهی منطقه عملیاتی فاومی شود و به عنوان تک تیرانداز در جبهه حضور پیدا می کند. جنگ فضای سخت و پرتلهایی داشت. اما مداحی آنجا هم از زندگی اش جدا نشد. وقتی از آن روزها حرف می زند، انگار دوباره به سال های جبهه برگشته است. او می گوید: بچه ها بین

مسجد، کلاس درس زندگی

آقا عنایت!... در محله طبرسی بزرگ شده است. آن روزها به تشویق بزرگ ترهای محله، در مسجد امام حسن عسکری (ع) دعای توسل و کمیل می خوانده. خودش می گوید همان تشویق ها باعث شد پایش به مجالس مذهبی باز شود و این مسیر را جدی تر دنبال کند. در این میان، نقش مادرش را هم فراموش نمی کند: «مادرم برای تشویق من به امام جماعت مسجد هدیه می داد تا به عنوان جایزه به من بدهد؛ کاری ساده اما اثرگذار که باعث شد انگیزه بیشتری پیدا کنم و با شوق بیشتری در برنامه های مسجد حضور یابم.» همین علاقه رفته رفته او را به سمت مداحی کشاند. حضور در جلسات مداحان نام آشنایی مثل حاج مؤید و مرحوم مرشد قاسم، نگاهش را به این عرصه جدی تر کرد. این جلسات برای نوجوانی علاقه مند به اهل بیت (ع)، فقط یک محفل مذهبی نبود؛ آنجا شبیه مدرسه ای بود که مسیر سال های بعد زندگی ام را شکل داد.

ساختن حسینیه در یادگان

علاقه ای که از سال های کودکی در وجودش شکل گرفته بود، با گذشت زمان کم رنگ نشد. مداحی برای او فقط یک فعالیت مناسبتی نبود؛ بخشی از زندگی اش شده بود و هر جامی رفت، همراهش بود. حتی سال ۱۳۶۳ که به خدمت سربازی اعزام شد. او از خاطره ای مربوط به روزهای نخست سربازی اش در یادگان شهید بروجردی تعریف می کند. روزش به یادگان هم زمان با آغاز ماه محرم بوده است. وقتی می بیند





در هیئت، یاد پدرم زنده می شود

امیرعباس محمدی، فرزند شهید مدافع حرم

چند سال می شود که به این هیئت می آیم. من فرزند شهید مدافع حرم هستم و پدرم قبل از شهادتش در همین هیئت حضور داشت و در برنامه ها شرکت می کرد. به همین دلیل هر بار که به اینجا می آیم، فکرمی گنم به جایی آمده ام که پدرم هم در آن حضور داشته و همین موضوع برایم خیلی ارزشمند است.

این هیئت من را به یاد پدرم می اندازد. وقتی در جلسات شرکت می مدام می کنم، حس می کنم به او نزدیک تر می شوم. حاج آقا خگر نیز همیشه با من مهربانی با من رفتار کرده است. او فقط مسئول هیئت نیست، برای من مثل یک پدر مهربان است و همیشه تشویق می کند.

در این مدت، شعرهای زیادی یاد گرفته ام و مداحی را هم بهتر از قبل آموخته ام. محرم هادری دهه اول در هیئت که دایمی ام برگزار می کند. مداحی می کنم و سعی می کنم آنچه اینجا یاد گرفته ام، آنجا هم به کار بگیرم.

بزرگ شدن حلقه دوستان

محمد رضامست علی، نوجوان ذاکر اهل بیت (ع)

حدود دو سال پیش از طریق پدرم با این هیئت آشنا شدم. الان دیگر پدرم در جلسات شرکت نمی کند اما خودم تقریباً در همه برنامه ها حضور دارم و دوست دارم هیچ جلسه ای را از دست ندهم.

قبل از اینکه به اینجا بیایم، مداحی نمی کردم و اوایل خیلی استرس داشتم. اما کم کم با تشویق حاج آقا خگر و بقیه بچه ها اعتماد به نفسم بیشتر شد.

آنچه در این هیئت خیلی دوست دارم، رفتار صمیمانه اعضاست. اینجا فقط مداحی یاد نگرفته ام، دوستان خوبی هم پیدا کرده ام.

بگیرند، هم مسیر درست پیدا می کنند و هم در آینده می توانند خودشان مسئولیت کار را بر عهده بگیرند.»

این راز فضای صمیمی حسینی هم می توان فهمید. بسیاری از نوجوانانی که سال ها پیش به اینجا آمده اند، حالا دیگر صرفاً عضو هیئت نیستند. اینجا خانه دوم خود می دانند. در این خانه همیشه به روی بچه ها باز است، حتی وقت هایی که جلسه ندارند؛ مثلاً گاهی بچه ها از فضای حسینی برای خواندن درس هایشان استفاده می کنند. عنایت...! خگر هم شبیه یک پدر مهربان از بچه ها پذیرایی می کند.

او می گوید: از همان سال اول، جلسات ثابت یکشنبه شب ها را برگزار کردیم؛ برنامه ای که هنوز هم ادامه دارد. جلسه با تلاوت قرآن آغاز می شود، سپس زیارت عاشورا خوانده می شود و بعد نوبت به مداحی اعضای رسد. در این بخش، هر یک از نوجوانان و جوانان پشت تریبون می روند و آنچه را آموخته اند، اجرا می کنند.

تربیت نوحه خوان های بنام

تفاوت این جلسات با بسیاری از کلاس های مداحی در شیوه آموزش آن است. او مداحان با تجربه تر، اشکالات رایج گونه ای مطرح می کند که کسی دلسرد نشود و فضای جلسه بیشتر بر تشویق و ایجاد انگیزه استوار است. گاهی هم برای تشویق بچه ها، هدایایی در نظر گرفته می شود؛ روشی که آقای خگر می گوید خودش سال ها پیش در کودکی اثرش را دیده است. او می گوید: نتیجه این شیوه را می توان در نسل جدید مداحان هیئت دید. بسیاری از نوجوانانی که روزی با صدایی لرزان پشت تریبون می ایستادند، امروز به مداحان شناخته شده ای در سطح منطقه تبدیل شده اند و در مساجد، هیئت ها و مجالس مختلف به مداحی می پردازند.

به همین دلیل است که مجمع الذاکرین در دهه اول محرم برنامه مستقلی برگزار نمی کند. او می گوید: هدف این است که مداحان جوان هیئت بتوانند در مجالس مختلف حضور پیدا کنند و توانایی هایشان را به کار بگیرند.

البته فعالیت های هیئت در محرم به طور کامل تعطیل نمی شود. هر سال در دهه دوم محرم، به مدت پنج شب در مدرسه سلمان واقع در خیابان ۱۹ مراسم برگزار می کنند؛ مراسمی که از هفته ها قبل مقدمات آن فراهم می شود و او شخصاً پیگیر هماهنگی ها و آماده سازی های آن است؛ از گرفتن مجوزها و آماده کردن فضا گرفته تا برنامه ریزی برای حضور مداحان و خادمان هیئت.

برای او، تربیت یک مداح تنها به آموزش چند سبک و شعر ختم نمی شود. آقای خگر می خواهد نوجوانانی که وارد این حسینی می شوند، علاوه بر مداحی، رفاقت، مسئولیت پذیری و کار جمعی را هم یاد بگیرند.

خبریه ای به نام «ذاکرین»

فعالیت های اجتماعی هیئت اما ابعاد گسترده تری هم پیدا کرده است. حدود ۱۰ سال پیش، اعضای مجمع الذاکرین تصمیم گرفتند در کنار برنامه های فرهنگی و مذهبی، به صورت منسجم تر به نیازمندان محله هم کمک کنند. نتیجه این تصمیم، تشکیل «خبریه مردمی هیئت مجمع الذاکرین» بود که امروز حدود هفتاد خانواده مددجو را تحت پوشش دارد. اعضای هیئت در مناسبت های مختلف و در طول سال، بسته های معیشتی تهیه و بین این خانواده ها توزیع می کنند. برای تأمین هزینه ها هم گروهی در پیام رسان های داخلی با عنوان «هر کدام یک قدم به نیت فرج»، راه اندازی کرده اند که علاوه بر اعضای هیئت، تعدادی از خیران محله هم در آن حضور دارند و در کارهای حمایتی مشارکت می کنند.

در کنار این فعالیت ها، گروه جهادی هیئت هم فعال است؛ گروهی که در سال های گذشته به روستاهای مختلف سفر کرده و در تعمیر و بازسازی خانه های نیازمندان مشارکت داشته است. خگر می گوید اعضای هیئت تلاش می کنند هر جا احساس شود کمکی از دستشان برمی آید، وارد عمل شوند.

شاید یکی از برنامه های متفاوت آن ها به شب یلدا مربوط باشد؛ شبی که معمولاً با دورهمی، آجیل و تنقلات شناخته می شود. آقا عنایت... می گوید: هر سال برای خانواده های مددجو بسته های یلدا می کنیم؛ آجیل، تنقلات و خوراکی هایی که بتوانند با آن یک شب خوب را کنار خانواده شان بگذرانند.

تأسیس هیئت با کمترین امکانات

پس از پایان جنگ، عنایت...! خگر دوباره به زندگی عادی برگشت اما فعالیت های مذهبی اش هیچ وقت متوقف نشد. او در سال های بعد در شکل گیری و برگزاری جلسات و هیئت های مختلف نقش داشت؛ از جمله هیئت خادم الرضا (ع) و هیئت حضرت فاطمه زهرا (س) در محله طبرسی. این هیئت ها با حضور و انگیزه نوجوانان آن روزها شکل گرفتند و به مرور، مسیر خود را پیدا کردند و هنوز هم بدون حضور آقای خگر به فعالیتشان ادامه می دهند.

اما آنچه امروز بیش از همه با نام او گره خورده، مجمع الذاکرین امام حسن مجتبی (ع) است؛ هیئتی که سال ۱۳۸۰ پایه گذاری شد و پس از گذشت بیش از دودهمه، هنوز مدیریت آن را بر عهده دارد.

بعد از دواج و سکونت در محله کنه بیست (موعود)، عنایت...! خگر در کنار فعالیت های مذهبی، شغل شیشه بری را هم راه اندازی کرد. حضور مستمر او در مسجد محله باعث شد اهالی بارو حیه و سابقه اش آشنا شوند. کم کم پیشنهادهای تشکیلی یک هیئت در محله مطرح شد؛ پیشنهادی که خیلی زود به یک تصمیم جدی تبدیل شد: «هیئت مجمع الذاکرین را با کمترین امکانات راه انداختیم. یک دستگاه صوتی قدیمی داشتیم که قبلاً روی گاری نمکی استفاده می شد. آن را تعمیر کردیم و همان شد وسیله کارمان.»

روزهای نخست، خبری از حسینی و امکانات امروزی نبود. جلسات در خانه ها برگزار می شد و تعداد اعضا به زحمت به پنج نفر می رسید. اما استقبال اهالی فراتر از انتظار بود. هنوز چند ماه از آغاز فعالیت هیئت نگذشته بود که تعداد شرکت کنندگان به حدود بیست نفر رسید و فضای خانه های محل دیگر پاسخگوی جمعیت نبود. در همان روزها تصمیم مهمی گرفت؛ طبقه بالای منزلش را به طور کامل در اختیار هیئت قرار داد. فضایی که پس از سال ها همچنان قلب تپنده مجمع الذاکرین است؛ جایی که از برگزاری جلسات مذهبی و آموزش مداحی گرفته تا برنامه های فرهنگی و اجتماعی هیئت، همه در آن جریان دارد.

خانه دوم بچه ها

شاید مهم ترین و ماندگارترین فعالیت هیئت، پرورش مداحان جوان باشد؛ هدفی که از همان روزهای نخست تشکیل هیئت در دستور کار قرار گرفته است.

امروز حدود چهار نفر عضو این هیئت هستند؛ از کودکان هشت ساله گرفته تا مردان شصت ساله. باین حال، تمرکز اصلی آقای خگر روی کودکان و نوجوانان است. او معتقد است: «اگر نوجوانان با فضای هیئت انس

تیم ورزشکاران نوحه خوان

فعالیت های مجمع الذاکرین به جلسات هفتگی و آموزش مداحی محدود نمی شود. خگر معتقد است اگر قرار است نوجوانان به هیئت علاقه مند بمانند، باید در کنار برنامه های مذهبی، فضاهایی برای نشاط، دوستی و فعالیت های اجتماعی هم داشته باشند.

برای همین، سال گذشته اعضای هیئت، «تیم فوتبال شهید قرنی» را راه اندازی کردند؛ تیمی متشکل از نوجوانان محله و هیئت. او می گوید: هدف از تشکیل این تیم تنها ورزش نبود، بلکه می خواستیم بچه ها در کنار درس و فعالیت های مذهبی، فرصت دیگری برای دورهم بودن و گذراندن اوقات فراغت داشته باشند.

به همین دلیل گاهی آن ها را به زمین های چمن مختلف شهر می برند تا مسابقه دهند و ساعاتی را در کنار هم بگذرانند. او باور دارد هیئت باید در زندگی روزمره محله هم نقش داشته باشد و تنها به چند شب عزاداری در سال خلاصه نشود. به همین دلیل تلاش می کنند در مناسبت های مختلف، حال و هوای محله را تغییر دهند و مردم را در شادی ها و مناسبت های مذهبی سهیم کنند. آقا عنایت... می گوید: برای ما مهم است که محله رنگ و بوی مناسبی داشته باشد. به همین دلیل در اعیاد و ولادت های اهل بیت (ع)، مقابل منزل ایستگاه صلواتی برپا کرده و با چای، شربت و شیرینی از اهالی پذیرایی می کنیم. این برنامه سال هاست به یکی از فعالیت های ثابت هیئت تبدیل شده و بسیاری از همسایه ها چشم انتظار آن هستند.

موکب «عشاق الفاطمه (س)» ۵ سالگی می شود که در نبود مسجد، شور محرمی را به محله حسین آباد آورده است

خیمه‌ای برای هزاران عزادار



راه تجربه



مریم دهقان اکنار بوستان اطلسی در محله حسین آباد، پنج سال است که در دهه اول محرم، خیمه امام حسین (ع) برپا می شود و به دلیل اینکه در این محدوده، مسجد و حسینیه‌ای وجود ندارد، اهالی هر سال در ایام عزاداری ابا عبد... الحسین (ع) به انتظار برپایی بساط روضه هیئت «عشاق الفاطمه (س)» هستند تا دلشان را راهی صحرای کربلا کنند. این هیئت به همت مرحوم علی اکبر محمودی در سال ۱۳۸۰ بنا شد و دوسالی است پسرش، هدایت آن رابه عهده دارد و بسیاری از اعضای خانواده محمودی در این هیئت خدمت می کنند.

عید فطر و مناسبت های مذهبی، تشکیل ششصد پرونده برای مددجویان خیریه، برپایی جلسه هفتگی در مکان هیئت و خیریه و فعالیت های جهادی در استان و کشور از دیگر فعالیت های هیئت عشاق الفاطمه (س) است.

دارند و خوشبختانه اهالی محله در پنج سال گذشته که موکب در این خیابان برپا شده است، صمیمانه همکاری و از آن استقبال کرده اند.



برکت برای اهالی

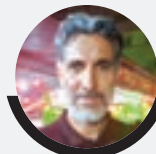
مرتضی بنی اسد، با اینکه موهای سپیدش، نشان از عمر رفته می دهد، مشغول ریختن چای است و با هر چای که به هم محله‌ای هایش تعارف می کند، به آن‌ها خوشامد می گوید. به گفته خادمان موکب، با سابقه ترین و مسن ترین خادم اینجا، آقامرتضی است. او ۱۰ سال است در محله حسین آباد زندگی می کند و از پنج سال پیش، خادم این موکب شده است و حال و هوایش را بر ایمان این گونه تعریف می کند: از شهید اسماعیل پوره (۱ تا ۲۸ که به طور میانگین در هر ساختمان بیست خانوار زندگی می کند، هیچ مسجد و حسینیه‌ای وجود ندارد. موکب «عشاق الفاطمه (س)» هر محرم که به اینجا می آید، با خودش برکت و حال خوب برای اهالی و همسایه‌ها می آورد. او ادامه می دهد: وقتی اینجا خدمت می کنم، یاد پیاده روی اربعین برایم زنده می شود. برای بقیه مردم نیز همین طور است. آن‌ها چند سال است با اشتیاق به مراسم می آیند و لذتشان رابه موکب می دهند و ما هم هر شب با شام، از آن‌ها پذیرایی می کنیم.

میزبانی از ۲۰۰۰ نفر

به طور متوسط هر شب ۲ هزار نفر میهمان این موکب هستند اما استقبال مردم بیشتر از فضای موجود است و جمعیت، بیرون خیمه و جلو بوستان اطلسی هم نشسته اند. علاوه بر ایستگاه صلواتی، غرفه‌های دیگری هم کنار این موکب دیده می شود. محمودی با اشاره به آن‌ها توضیح می دهد: ما از ابتدای جنگ تحمیلی سوم در تقاطع بولوار امت و مفتوح حضور داریم. به مرور خدمات ما به مردم حاضر در سنگر خیابان، متنوع تر شد و امروز که اینجا هستیم، همان غرفه‌ها را هم برپا کرده ایم، از جمله غرفه‌های مخصوص کودکان مثل ایستگاه نقاشی و سرگرمی برای کودکان، غرفه خوش نویسی برای پلاکارد نویسی و مشاوره‌های خانواده، مذهبی، حقوقی با حضور کارشناس. البته فعالیت این هیئت صرفاً به همین چند شب ختم نمی شود و محمودی درباره دیگر فعالیت های آن می گوید: علاوه بر برنامه‌های این ده شب، یکی دیگر از برنامه‌های مهم ما، برپایی موکب در دهه آخر صفر و مسیر پیاده روی زائران امام رضا (ع) در ۳۵ کیلومتری مشهد است و به مدت پنج شبانه روز از زائران پیاده پذیرایی می کنیم. برگزاری جشن در روزهای عید غدیر،

پناه عزاداران حسینی

یک زمین خاکی با مساحت حدود ششصد مترمربع در چهارراه اول شهید اسماعیل پوره، چند سالی است توسط خیران هیئت «عشاق الفاطمه (س)» خریداری شده و در پنج سال گذشته، مامن و پناه عزاداران حسینی است تا هر شب در ساعت ۸، خود را به این مکان برسانند و تا پاسی از شب، میزبان روضه سیدالشهدا (ع) باشند و در پایان مراسم پس از دریافت شام متبرک، به خانه هایشان بازگردند. سعید محمودی، بعد از فوت پدرش که دو سال از آن گذشته، مسئولیت هیئت و خیریه «عشاق الفاطمه (س)» رابه عهده گرفته است و درباره آن می گوید: حدود ۱۵۰ خادم زن و مرد در این موکب حضور



وقتی از او می پرسیم دلیل این کارش چیست، محکم جواب می دهد: به خاطر کشورم، به خاطر وطنم. محمد که کمی بزرگ تر است، جواب می دهد: من برای عشق به امام حسین (ع)، هر شب ساعت ۸:۳۰ می آیم و تا ساعت ۱۲ شب اینجا هستم. گاهی پرچم می گردانیم و گاهی لیوان های خالی چای را جمع می کنیم و به چای خانه می دهیم. از هر دو شان می پرسیم از این کار خسته نمی شوند؛ محمد می گوید: ما اینجا می آیم که برای کشور و امامان کاری انجام دهیم. ارسلان حرفش را تکمیل می کند و ادامه می دهد: ما به عشق امام حسین (ع) محرم هر سال به هیئت می آیم. با اینکه بعضی وقت ها پا و کمرمان درد می گیرد، هیچ وقت خسته نشده ایم.

به عشق امام حسین (ع) و وطن

خانم ها کنار بوستان اطلسی نشسته اند. پشت سر جمعیت دو پرچم بزرگ ایران دیده می شود. پسرهای نوجوان و جوان و حتی کوچک ترها تلاش می کنند این پرچم را بالا نگه دارند تا میاد از زمین بیفتند. هر چند دقیقه در طول سه چهار ساعت مراسم، جای شان را با هم عوض می کنند تا خستگی شان را رفع کنند و دوباره در نوبت گرفتن پرچم قرار بگیرند. ارسلان ده ساله و محمد سیزده ساله دو تا از این نوجوان ها هستند که صورتشان خیس از عرق است. ارسلان که چند سالی است به واسطه عموی مادرش با این خیمه آشنا شده، می گوید: سه سال است محرم ها اینجا می آیم و هر شب پرچم گردانی داریم.





اجتماعات محله مهرآباد، به فضایی برای عزاداری محرم امسال تبدیل شده است

شور مقاومت در ماه عزاداری

● هرچه داشتیم آوردیم
سجاد اکبرزاده، مسئول هیئت فاطمه الزهرا(س) در مهرآباد است و در بخش دیگری از این حسینیه همکاری دارد. او می‌گوید: ما همیشه ماه محرم مراسمی در هیئت خودمان برگزار می‌کردیم اما وقتی متوجه شدیم قرار است این اجتماعات به اسم امام حسین(ع) ادامه پیدا کند ما هم نیروها و امکاناتی را که داشتیم مثل پرچم، کتیبه، صوت و... پای کار آوردیم.

● عزاداری با شور انقلابی
علی هادی‌زاده، یکی از فعالان این حسینیه است که از شب‌های ابتدایی همراه این اجتماع بوده و به عنوان مجری مراسم و هماهنگ کننده برنامه‌های فرهنگی مانند سرود، سخنرانی، مداحی و... همکاری داشته است.

او می‌گوید: بعد از آنکه جرقه اولیه برپایی اجتماعات در همان شب‌های اول جنگ تحمیلی سوم زده شد، کم‌کم مساجد دیگر محله از جمله مسجد امام حسین(ع)، مسجد ابوالفضل، مسجد الرضا(ع)، مسجد چهارده معصوم(ع)، مسجد موسی بن جعفر(ع) و مهدیه مهرآباد پای کار آمدند و در برگزاری مراسم مشارکت کردند.

هادی‌زاده توضیح می‌دهد: این اجتماع که حالا به حسینیه خیابان تبدیل شده در اصل حاصل جمع عزاداران چندین مسجد محله است که محرمی فراموش نشدنی را در کنار هم تجربه می‌کنند و برای دفاع از حق، به شهدای کربلا تاسی می‌جویند.

عزاداری سیدالشهدا(ع) باید بیش از پیش باشد، به این نتیجه رسیدیم که عزاداری را با فضای اجتماعات تلفیق کنیم و در نهایت به تشکیل «حسینیه خیابان» رسیدیم. علاوه بر اجرای برنامه عزاداری مرسوم که شامل سخنرانی و مداحی و روضه است، این حسینیه غرفه‌های دیگری از جمله ایستگاه جای صلواتی، نقاشی و بازی کودک، مشاوره خانواده، مشاوره سلامت، پرسمان سیاسی و تبیین‌گری، فروش و عرضه محصولات فرهنگی دارد.

حصاری درباره شکل‌گیری این غرفه‌ها که با همراهی و همکاری هم محله‌ای‌ها صورت گرفته است، می‌گوید: همه سعی و تلاش دوستان مادر حسینیه خیابان این است تا زمانی که فرمان ولی فقیه زمان این باشد که در خیابان بمانند، آن را بهتر از قبل برگزار کنیم و اگر لازم باشد، شیوه برگزاری آن را متناسب با ایام تغییر می‌دهیم.



مریم دهقان از بزرگراه شهید با نظر وقتی وارد خیابان مهرآباد می‌شویم، دقیقاً ابتدای این محله، سمت چپ، زمین خاکی وسیعی دیده می‌شود که از آن، صدای روضه مصیبت کربلا و لحظات سخت عاشورا به گوش می‌رسد. بین بزرگی که با تصویری از صحنه کربلا تزئین شده است، به چشم می‌خورد و زن و مرد پای آن نشسته‌اند و صدای ناله‌هایشان وقتی روضه به اوج می‌رسد، بلند می‌شود.

از همان روزهای ابتدای جنگ تحمیلی سوم، محله مهرآباد، آوردگاه حماسه و غرور برای ساکنانش شد تا امروز که تقویم، ما را به ماه عزاداری ابا عبد... الحسین(ع) رسانده است. سنگر خیابان به «حسینیه خیابان» تبدیل شود.

● لیبک به فرمان رهبری

در میان جمعیت چند ایستگاه فرهنگی و خدماتی کنار این حسینیه به چشم می‌آید و خدمتگزارانی که به نام حسین(ع)، از جان و دل، گرد این محفل جمع شده‌اند تا پرچم عزای سیدالشهدا(ع) برافراشته بماند. مجید حصاری، مسئول اجرایی حسینیه خیابانی مهرآباد، از همان ابتدای جنگ تحمیلی سوم، شرایط حضور مردم را با همکاری تشکل‌ها و فعالان فرهنگی محله فراهم کرده است. او می‌گوید: حماسه حضور مردم محله مهرآباد در واقع لیبکی به پیام و فرمان رهبر انقلاب، آیت... سیدمجتبی خامنه‌ای، بود. با فرارسیدن ایام محرم و بیان رهبر امت که فرمودند حضور مردم در خیابان در ماه

رسم چهل ساله دیدار اهل قبور یکی از آیین‌های متفاوت عزاداری حسینی در محله کنه بیست است

دیدار با رفتگان محله در محرم



پس از آنکه اهالی بر مزار درگذشتگان حاضر می‌شوند و فاتحه می‌خوانند، در گوشه‌ای از آرامستان سفره‌ای پهن می‌شود. چای داغ، نان، پنیر و دیگر مخلفات صبحانه روی سفره قرار می‌گیرد و حاضران کنار هم می‌نشینند.

● به جبران تلاش‌های پدر

حسن عباسی یکی دیگر از اهالی فعال محله است که در همه برنامه‌های مسجد حضور دارد. او می‌گوید: علاقه و پیگیری ام برای فعالیت در مسجد، ریشه در سال‌ها تلاش پدر مرحومم، برات علی عباسی دارد. او بنای مسجد قمر بنی هاشم(ع) را گذاشت و در ساخت آن نقش اصلی را بر عهده داشت.

عباسی که هر هفته ماه محرم، در مراسم دیدار اهل قبور حضور دارد، می‌گوید: این تنها برنامه متفاوت مسجدمان در ماه محرم نیست و هر سال پیش از آغاز محرم، اهالی برای غبارروبی مسجد دور هم جمع می‌شوند؛ مراسمی که در آن، پیشکسوتان مسجد در کنار جوان‌ترها آستین بالایی‌ها می‌زنند، مسجد را تمیز و سیاه‌پوش می‌کنند.

● خاطره‌گویی از درگذشتگان

پس از رسیدن به آرامستان، مسیر اصلی برنامه آغاز می‌شود. آن‌ها پیاده در میان قطعات مختلف بهشت رضا(ع) حرکت می‌کنند و بر سر مزار پیشکسوتان و درگذشتگان محله حاضر می‌شوند. فاتحه می‌خوانند، یادای از آن‌ها می‌کنند و بعد راهی مزار بعدی می‌شوند. جواد کریمی توضیح می‌دهد: سر هر مزاری که می‌رسیم علاوه بر خواندن فاتحه، خاطره‌ای هم از آن مرحوم تعریف می‌کنیم؛ مثلاً می‌گوییم فلانی علم مسجد را آورد، فلانی هیئت راه انداخت و... این خاطره‌گویی‌ها باعث می‌شود که یاد آن‌ها فراموش نشود.

نیکو عقیده هر محله‌ای در ماه محرم، رسم و آیین خودش را دارد؛ رسم‌هایی که علاوه بر عزاداری، بهانه‌ای برای کنار هم بودن اهالی و زنده نگه داشتن پیوندهای محلی هم شده‌اند. در محله کنه بیست (مو عود) و مسجد قمر بنی هاشم(ع) هم اهالی، شیوه خودشان را برای گرامیداشت این ماه دارند.

اینجا در کنار مراسم معمول عزاداری، آیین‌هایی برگزار می‌شود که کمتر در دیگر محله‌ها می‌توان مشاهده کرد. یکی از این مراسم، دیدار اهل قبور است؛ رسمی چهل ساله که از احترام ویژه مردم این محله به پیشکسوتان مسجد و درگذشتگان نشان ریشه می‌گیرد.

● احترام به بزرگان و درگذشتگان

با نگاهی به در دیوار مسجد قمر بنی هاشم(ع) می‌توان فهمید که احترام به بزرگان و درگذشتگان در این محله جایگاه ویژه‌ای دارد. قاب عکس پیشکسوتان و قدیمی‌های مسجد روی دیوارها نصب شده؛ کسانی که هر کدام بخشی از هویت این محله را ساخته‌اند. بعضی در ساخت مسجد نقش داشته‌اند، بعضی سال‌ها در برپایی مراسم محرم کمک کرده و برخی با برپا کردن دیگ‌های شله و نذری، نامشان را در خاطره اهالی ثبت کرده‌اند. به گفته اهالی، داستان مسجد با حضور همین آدم‌ها شکل گرفته

چهنو، مصلی، کارمندان اول، کارمندان دوم، شهید آقامصطفی خمینی، شیرین، امیرآباد، شهید معقول، کشاورز، پورسینا، اروند، انصار، شهید باهنر، شهید بسکابادی، شهید شیرودی، شهید رستمی، کوی ۲۲ بهمن، کنه‌یست، شهید رجایی

محلات منطقه‌ها

مهدی‌آباد، رضائیه، سجادیه، حسین‌آباد، مهرآباد، امیرالمؤمنین^(ع)، نیزه، شهید آوینی، ثامن، کوی سلمان، جلالیه

تالار شهدای وحدت میزبان بانوان و کودکان از محلات مختلف شهر بود

در سوگ شهید خردسال کربلا



سمیه پورهنگ و خدیجه مصباحی نیز از بولوار توس، خود را به تالار شهدای وحدت رسانده‌اند. مصباحی، آن قدر از دیدن تعزیه راضی بوده است که دوست دارد چنین برنامه‌ای در محله آن‌ها نیز برگزار شود تا افراد بیشتری بتوانند از آن بهره ببرند.

● تصویری از مرثیه کربلا

در ادامه برنامه، اعضای گروه نمایش تعزیه، عشاق الحرمین، آماده اجرایی شوند. اجرای کوتاه آن‌ها به روایت شهادت حضرت علی اصغر^(ع) اختصاص دارد. حسین سوختانلو، یکی از بازیگران نمایش، بیش از ۲۵ سال است در تعزیه فعالیت می‌کند. او می‌گوید: سال‌هاست نقش‌های مخالف خوان را برعهده دارم و در اجرای امروز نیز نقش حرم‌له را برعهده داشتیم. علاقه‌ام به اهل بیت^(ع) باعث شده است این نقش‌ها را با وجود سختی‌هایش ایفا کنم.

جواد همایونی، دیگر بازیگر این گروه، متن نمایش را براساس مقاتل و روایت‌های تاریخی بازنویسی کرده است تا اجرای آن کوتاه‌تر و برای مخاطب امروز قابل فهم‌تر باشد.

مریم فیروزی، از شهرک مهرگان همراه پسر هفت ماهه‌اش، امیرعباس، در این مراسم شرکت کرده است. او اجرای نمایش را تأثیرگذار توصیف می‌کند و می‌گوید: هنگام تماشای صحنه‌ها، مدام به رنج بانو ریاب^(س) و واقعه کربلا فکر می‌کردم.

عطائی دو شنبه هفته گذشته، تالار شهدای وحدت بوستان وحدت در محله جلالیه، برای چهارمین سال متوالی، میزبان مادرانی از همه محلات شهر بود که همراه نوزادان و کودکان خردسال خود در «همایش بزرگ شیرخوارگان حسینی» حضور یافتند. این برنامه با اجرای تعزیه، مرثیه خوانی و روایت واقعه عاشورا یک برنامه فرهنگی و مذهبی را برای خانواده‌ها رقم زد.

● تقدیم به شهدای میناب

صندلی‌های تالار تقریباً پر شده است. فضای سالن حال و هوای مجلس عزاداری دارد و اجرای آن در قالب یک برنامه فرهنگی و خانوادگی طراحی شده است. مهمانان از مساجد و محله‌های مختلف شهر در برنامه حضور دارند و بیشتر آنان، مادران دارای نوزاد و کودک خردسال هستند و ثواب این مراسم نیز به شهدای جنگ تحمیلی اخیر و کودکان شهید مدرسه میناب تقدیم می‌شود.

محله به روایت شما



● برنامه‌های اوقات فراغت ویژه کودکان با هدف توانمندسازی و آموزش در فصل تابستان با همکاری شورای اجتماعی محله امیرالمؤمنین^(ع) در مسجد امام جعفر صادق^(ع) و پایگاه حجت بن الحسن^(عج) برگزار می‌شود.

تصویر و متن از راضیه محسنی، ساکن محله امیرالمؤمنین^(ع)



● به مناسبت ایام عزاداری محرم، حسینیه کودک در مسجد چهارده معصوم^(ع) فعال شد. این برنامه با مشارکت این مسجد و همکاری شورای اجتماعی محله حسین‌آباد و پایگاه حضرت معصومه^(س) برگزار می‌شود.

تصویر و متن از زهرا بشاش، ساکن محله حسین‌آباد

● هیئت دختران «خادمان امام رضا^(ع)»، محله مهدی‌آباد در مراسم گوناگون شامل اجتماعات و سوگواری محرم سرودهای حماسی می‌خوانند.

تصویر و متن از طاهره عیدی، ساکن محله مهدی‌آباد